

آیه ۱۷ - ۱۸

آیه و ترجمه

ما کان للمشرکین ان یعمروا مسجد الله شہدین علی انفسہم بالکفر اولئک حبطت اعمالہم و فی النار ہم خلدون ۱۷
انما یعمر مسجد الله من امن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوۃ و اتی الزکوۃ و لم یخش الا الله فعسی اولئک ان یكونوا من المہتدین ۱۸

ترجمہ :

۱۷ - مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی کہ بہ کفر خویش گواہی می دهند آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شدہ و در آتش جاودانہ خواہند ماند.

۱۸ - مساجد الہی را تنها کسی آباد می کند کہ ایمان بہ خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکوۃ را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد، ممکن است چنین گروہی ہدایت یابند.

تفسیر نمونہ جلد ۷ صفحہ ۳۱۴

تفسیر :

عمران مسجد در صلاحیت ہمہ کس نیست

از جملہ موضوعاتی کہ بعد از لغو پیمان مشرکان و حکم جہاد با آنان ممکن بود برای بعضی مطرح گردد، این بود کہ چرا ما این گروہ عظیم را از خود برانیم و اجازہ ندهیم بہ مسجد الحرام برای مراسم حج قدم بگذارند، در حالی کہ شرکت آنان در این مراسم از ہر نظر مایہ آبادی است، ہم آبادی بناء مسجد الحرام از طریق کمکہای مہمی کہ آنها بہ این کار می کردند، و ہم آبادی معنوی از نظر افزایش جمعیت در اطراف خانہ خدا!!

آیات فوق بہ این گونه افکار واهی و بی اساس پاسخ می گوید، و در نخستین آیہ تصریح می کند:

«مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند ، با اینکہ صریحا بہ کفر خود گواہی می دهند» «ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شہدین علی انفسہم بالکفر».

گواهی آنها بر کفر خودشان هم از لابلای سخنانشان آشکار است، و هم از لابلای اعمالشان و حتی طرز عبادت و مراسم حشاش نیز گواه این موضوع است.

سپس به دلیل و فلسفه این حکم اشاره کرده می‌گوید: «اینها به خاطر نداشتن ایمان، اعمالشان نابود می‌شود و بر باد می‌رود، و در پیشگاه خدا کمترین وزن و قیمتی ندارد» (اولئک حبطت اعمالهم). و به همین دلیل «آنها جاودانه در آتش دوزخ باقی می‌مانند» (و فی النار هم خالدون).

با این حال نه کوشش‌هایشان برای عمران و آبادی مسجد الحرام یا مانند

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۱۵

آن ارزشی دارد، و نه انبوه اجتماعشان در اطراف خانه کعبه. خداوند پاک و منزّه است، و خانه او نیز باید پاک و پاکیزه باشد و دسته‌های آلودگان از خانه خدا و مساجد باید به کلی قطع گردد. در آیه بعد برای تکمیل این سخن شرایط آباد کنندگان مساجد و کانونهای پرستش و عبادت را ذکر می‌کند، و برای آنها پنج شرط مهم بیان می‌دارد و می‌گوید:

«تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌سازند که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند» (انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر)

این اشاره به شرط اول و دوم است، که جنبه اعتقادی و زیر بنائی دارد و تا آن نباشد هیچ عمل پاک و شایسته و خالصی از انسان سر نمی‌زند، بلکه اگر ظاهراً هم شایسته باشد، در باطن آلوده به انواع غرض‌های ناپاک خواهد بود. بعد به شرط‌های سوم و چهارم اشاره کرده، و می‌گوید: «و نماز را برپا دارد و زکات را بدهد» (و اقام الصلوة و آتی الزکوة).

یعنی ایمانش به خدا و روز رستاخیز تنها در مرحله ادعا نباشد، بلکه با اعمال پاکش آن را تایید کند، هم پیوندش با خدا محکم باشد و نماز را به درستی انجام دهد، و هم پیوندش با خلق خدا، و زکوة را بپردازد.

سرانجام به آخرین شرط اشاره کرده، و می‌گوید و جز از خدا نترسد. (ولم یخش الا الله).

قلوبش مملو از عشق به خدا است و تنها احساس مسئولیت در برابر فرمان او

می‌کند، بندگان ضعیف را کوچکتر از آن می‌شمرد که بتوانند درس‌نوشت او و جامعه او و آینده او و پیروزی و پیشرفت او و بالاخره در آبادی کانون عبادت او، تأثیری داشته باشند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۱۶

و در پایان اضافه می‌کند این گروه که دارای چنین صفاتی هستند ممکن است هدایت شوند و به هدف خود برسند و در عمران و آبادی مساجد خدا بکوشند و از نتایج بزرگ آن بهره‌مند شوند (فعسی اولئک ان یکونوا من المہتدین).
در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

نکته‌ها

۱ - منظور از عمران چیست؟

آیا آباد ساختن مساجد به معنی آبادی ساختمان و تأسیسات آن است، یا به معنی اجتماع و شرکت در آن؟ بعضی از مفسران تنها یکی از این دو قسمت را در تفسیر عمران مساجد در آیه فوق انتخاب کرده‌اند در حالی که مفهوم این کلمه یک مفهوم وسیع است، و همه این امور را شامل می‌شود. مشرکان و بت پرستان نه حق شرکت در مساجد دارند، و نه تعمیر و بنای ساختمان آنها و همه این امور باید به دست مسلمانان انجام پذیرد. ضمناً از این آیات استفاده می‌شود که مسلمانان نباید هدایا و کمک‌های مشرکان بلکه تمام فرق غیر اسلامی را برای ساختمان مساجد خود بپذیرند، زیرا آیه اول گرچه تنها سخن از مشرکان می‌گوید، ولی آیه دوم که با کلمه انما شروع شده، عمران مساجد را مخصوص مسلمانان می‌سازد.

و از اینجا روشن می‌شود که متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاکترین افراد انتخاب شوند، نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروتشان، و یا به خاطر مقام یا نفوذ اجتماعیشان - آن چنان که در بسیاری از نقاط متأسفانه رایج شده - بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند. بلکه تمام دسته‌های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس باید کوتاه ساخت. و از آن روز که گروهی از زمامداران جبار و یا ثروتمندان آلوده و گنه‌کار دست به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح و معنویت و برنامه‌های سازنده

آنها مسخ شد، و همین است که می بینیم بسیاری از این گونه مساجد شکل مسجد ضرار را به خود گرفته است!

۲ - عمل خالص تنها از ایمان سرچشمه می گیرد.

ممکن است بعضی چنین فکر کنند که چه مانعی دارد، از سرمایه های غیرمسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده کنیم؟ اما آنها که چنین می گویند توجه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را میوه درخت ایمان می شمرد، عمل همیشه پرتوی از نیات و عقاید آدمی است، و همیشه شکل و رنگ آنرا به خود می گیرد. نیت های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به وجود آورد، و محصول مفیدی از خود نشان دهد، چه اینکه عمل باز تاب نیت است.

۳ - پاسداران شجاع

جمله «لم یخس الا الله» (جز از خدا نترسند) نشان می دهد که عمران و آبادی و نگاهداری مساجد جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست، هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون های انسان سازی و کلاس های عالی تربیت در می آید، که بنیانگزاران و پاسدارانی شجاع داشته باشد، آنها که از هیچ کس جز خدا نترسند، و تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند، و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند.

۴ - آیا تنها مسجد الحرام منظور است؟

بعضی از مفسران آیات فوق را مخصوص «مسجد الحرام» دانسته اند، در

حالی که الفاظ آیه عام است، و هیچ گونه دلیلی بر این تخصیص نیست، هر چند «مسجد الحرام» که بزرگترین مسجد اسلامی است در ردیف اول قرار گرفته، و در آن روز که آیات نازل شد، بیشتر آن مسجد در نظر بود، ولی این دلیل تخصیص مفهوم آیات نمی شود.

۵ - اهمیت بنای مساجد

درباره اهمیت بنای مسجد احادیث فراوانی از طرق اهل بیت و اهل سنت رسیده است که اهمیت فوق العاده این کار را نشان می دهد. از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده که فرمود: «من بنی

مسجدا و لو كمفحص قطاة بنى الله له بيتا فى الجنة»: كسى كه مسجدى بنا كند هر چند به اندازه لانه مرغى بوده باشد، خداوند خانه‌اى در بهشت براى او بنا خواهد ساخت».

و در حديث ديگرى از پيامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) نقل شده: «من اسرج فى مسجد سراجا لم تزل الملائكة و حملة العرش يستغفرون له مادام فى ذلك المسجد ضوءه».

«كسى كه چراغى در مسجدى برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهى مادام كه نور آن چراغ در مسجد مى تابد براى او استغفار مى كنند.»
ولى امروز آنچه بيشتر اهميت دارد، عمران و آبادى معنوى مساجد است، و به تعبير ديگر بيش از آنچه به ساختن مسجد اهميت مى دهيم بايد به ساختن افرادى كه اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آنند اهميت بدهيم.
مسجد بايد كانونى باشد براى هر گونه حركت جنبش و سازنده اسلامى در زمينه آگاهى و بيدارى مردم، و پاكسازى محيط، و آماده ساختن مسلمانان

تفسير نمونه جلد ۷ صفحه ۳۱۹

براى دفاع از ميراثهاى اسلام!
مخصوصا بايد توجه داشت، مسجد مركزى براى جوانان با ايمان گردد، نه اينكه تنها مركز بازنشستگان و از كار افتادگان شود. مسجد بايد كانونى براى فعالترين قشرهاى اجتماع باشد، نه مركز افراد بيكاره و بى حال و خواب آلوده‌ها!

تفسير نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۰

آيه ۱۹ - ۲۲

آيه و ترجمه

اءجعلتم سقاية الحاج و عمارة المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الاخر و جهد فى سبيل الله لا يستون عند الله و الله لا يهدى القوم الظالمين ۱۹
الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا فى سبيل الله بامولهم و اءانفسهم اءعظم درجة عند الله و اءولئك هم الفائزون ۲۰
يبشرهم ربهم برحمة منه و رضون و جنت لهم فيها نعيم مقيم ۲۱
خلدين فيها اءبدا ان الله عنده اءجر عظيم ۲۲

ترجمه :

۱۹ - آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجد الحرام را همانند (عمل) کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه اوجهاد کرده است، (این هر دو) هرگز نزد خدا مساوی نیستند، و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند.

۲۰ - آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است و آنها به موهبت عظیم رسیده اند.

۲۱ - پروردگار، آنها را به رحمتی از ناحیه خویش و خشنودی و باغهای بهشتی که در آن نعمتهای جاودانه دارند بشارت می دهد.

۲۲ - همواره و تا ابد در این باغها (و در لابلای این نعمتها) خواهند بود زیرا نزد خداوند پاداش عظیم است.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۱

شاءن نزول :

در شاءن نزول آیات فوق روایات مختلفی در کتب اهل سنت و شیعه نقل شده است، که از میان آنها آنچه صحیحتر بنظر می رسد، ذیلami آوریم.

دانشمند معروف اهل سنت حاکم «ابوالقاسم حسانی» از «بریده» نقل

می کند که «شیه» و «عباس» هر کدام بردیگری افتخار می کردند و در

این باره مشغول به سخن بودند که علی (علیه السلام) از کنار آنها گذشت، و

پرسید به چه چیز افتخار می کنید؟ «عباس» گفت امتیازی به من داده

شده که احدی ندارد، و آن مسأله آب دادن به حجاج خانه خدا است.

«شیه» گفت من تعمیر کننده مسجد الحرام (و کلید دار خانه

کعبه) هستم علی (علیه السلام) گفت: با اینکه از شما حیا می کنم باید بگویم

که با این سن کم افتخاری دارم که شما ندارید، آنها پرسیدند کدام افتخار؟!.

فرمود: من با شمشیر جهاد کردم تا شما ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و

آله و سلم) آوردید.

«عباس» خشمناک برخاست و دامنکشان به سراغ پیامبر (صلی الله علیه و

آله و سلم) آمد (و به عنوان شکایت) گفت: آیا نمی بینی علی چگونه با من

سخن می گوید؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: علی را صدا کنید، هنگامی که به

خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد فرمود چرا این گونه باعمویت (عباس) سخن گفتی؟.

علی (علیه السلام) عرض کرد ای رسول خدا! اگر من او را ناراحت ساختم با بیان حقیقتی بوده است، در برابر گفتار حق هر کس می خواهد ناراحت شود، و هر کس می خواهد خشنود!

جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد! پروردگارت به تو سلام می فرستد، و می گوید این آیات را بر آنها بخوان «اجعلتم سقایة الحاج و...»

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۲

«آیا سیراب کردن حجاج و عمران مسجد الحرام را هم چون ایمان به خدا و روز رستاخیز و جهاد در راه او قرار دادید، هرگز مساوی نیستند.» همین روایت، به همین مضمون، یا با تفاوت کمی، در کتابهای فراوانی از اهل سنت نقل شده، مانند تفسیر «طبری» و «ثعلبی»، اصحاب النزول و احدى»، «تفسیر خازن بغدادی»، «معالم التنزیل» علامه بغوی، «مناقب ابن مغزلی»، «جامع الاصول» ابن اثیر، «تفسیر فخر رازی» و کتابهای دیگر.

بهر حال حدیث فوق از احادیث معروف و مشهوری است که حتی افراد متعصب به آن اعتراف کرده اند و ما پس از اتمام تفسیر این آیات باز در این باره سخن خواهیم گفت.

تفسیر :

مقیاس افتخار و فضیلت

با اینکه آیات شأن نزول خاص دارد در عین حال مکمل بحث آیات گذشته است و نظیر آن در قرآن فراوان می باشد.

در نخستین آیه می گوید: آیا سیراب کردن حاجیان خانه خدا و عمران مسجد الحرام را همانند کار کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت دارد و در راه خدا جهاد کرده است این دو هیچگاه در نزد خدا یکسان نیستند و خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند» (اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوون عند الله

و الله لا يهدي القوم الظالمين).

«سقایة» هم مصدر است به معنی آب دادن و هم به معنی «وسیله» و «پیمانه» ای است که با آن آب می دهند (همانگونه که در آیه ۷۰ سوره یوسف آمده است) و هم به معنی ظرف بزرگ یا حوضی است که آب در آن می ریزند، در مسجد الحرام در میان چشمه زمزم و خانه کعبه محلی وجود دارد که به نام سقایة العباس معروف است، گویا در آنجا ظرف بزرگی می گذاردند که حاجیان از آن آب بر می داشتند. از تواریخ چنین بر می آید که قبل از اسلام منصب «سقایة الحاج» در ردیف منصب کلید داری خانه کعبه و از مهمترین مناصب محسوب می شد. ضرورت و نیاز شدید حجاج در ایام حج به آب آن هم در آن سرزمین خشک و سوزان و کم آب که غالب ایام سال هوا گرم است به این موضوع (سقایة حاج) اهمیت خاصی می داد، و کسی که سرپرست این مقام بود، از موقعیت ویژه ای طبعا برخوردار می شد چرا که خدمت او به حجاج یک خدمت حیاتی به شمار می رفت.

هم چنین «کلیدداری» و عمران و آبادی مسجد الحرام که مقدسترین و بزرگترین کانون مذهبی حتی در زمان جاهلیت محسوب می شد، احترام فوق العاده ای برای شخص یا اشخاصی که متصدی آن بودند، بر می انگیخت. با همه اینها قرآن مجید می گوید ایمان بخدا و جهاد در راه او از تمام این کارها برتر و بالاتر است!

در آیه بعد به عنوان تاءکید و توضیح می فرماید کسانی که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، اینها در پیشگاه خداوند مقامی برتر و بزرگتر دارند (الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا

فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله). «و اینها به افتخار بزرگی نائل شده اند». (و اولئک هم الفائزون) در آیه بعد می گوید خداوند سه موهبت بزرگ در برابر این سه کار مهم (ایمان، هجرت و جهاد) به آنها می بخشد:

- ۱- «آنها را به رحمت گسترده خود بشارت می‌دهد و از آن بهره‌مند می‌سازد» (بشرهم ربهم برحمة منه).
 - ۲- «آنها را از رضامندی و خشنودی خویش بهره‌مند می‌کند» (ورضوان).
 - ۳- «باغهایی از بهشت در اختیار آنها می‌گذارد که نعمتهایش دائمی و همیشگی است.» (و جنات لهم فيها نعيم مقيم).
- در آیه بعد برای تاءکید بیشتر اضافه می‌کند «جاودانه در آنها تا ابد خواهند ماند» (خالدین فیها ابدًا).
- «زیرا نزد خداوند پاداشهای عظیم است» که در برابر اعمال بندگان به آنها می‌بخشد (ان الله عنده اجر عظیم).
- در اینجا به دو نکته باید توجه داشت
- ۱- تحریف تاریخ:

همانگونه که در شأن نزول آیات فوق خواندیم، مطابق روایتی که در بسیاری از معروفترین کتب اهل سنت نقل شده، این آیات در مورد علی (علیه السلام) و

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۵

بیان فضائل او نازل شده هر چند مفهوم آن عام و گسترده است (و بارها گفته‌ایم شأن نزولها مفاهیم آیات را محدود نمی‌سازد).

ولی از آنجا که بعضی از مفسران اهل سنت تمایل ندارند فضائل چشمگیری برای علی (علیه السلام) اثبات شود با اینکه او را چهارمین پیشوای بزرگ خود می‌دانند، اما مثل اینکه از این می‌ترسند که اگر در برابر مدارکی که امتیازات فوق العاده علی (علیه السلام) را اثبات می‌کند، تسلیم شوند، ممکن است جمعیت شیعه در برابر آنها بپاخیزند و آنها را در تنگنا قرار دهند، که چرا دیگران را بر علی (علیه السلام) مقدم داشتید از این رو بسیار می‌شود که از واقعیت‌های تاریخی چشم می‌پوشند، و تا آنجا که بتوانند به ایراد در این گونه احادیث از نظر سند می‌پردازند، و اگر جای دستاندازی در سند پیدا نکنند، سعی می‌کنند به گونه‌ای دلالت آن را مخدوش سازند، این گونه تعصبها متأسفانه حتی در عصر ما ادامه دارد و حتی بعضی از دانشمندان روشنفکر آنان از این بر کنار نمانده‌اند.

فراموش نمی‌کنم در گفتگویی که با یکی از دانشمندان اهل سنت داشتم، هنگامی که سخن از اینگونه احادیث به میان آمد جمله عجیبی

اظهارداشت، او می‌گفت به عقیده من، شیعه می‌تواند تمام اصول و فروع مکتب‌خویش را از منابع و مدارک و کتابهای ما اثبات کند، چون به قدر کافی احادیثی که به نفع مکتب شیعه باشد، در کتب ما وجود دارد! ولی برای اینکه خود را از همه این منابع و مدارک یکباره راحت کند، گفت به عقیده من پیشینیان ما افراد خوشباوری بودند و تمام احادیثی را که شنیده‌اند در کتب خود آورده‌اند، و ما نمی‌توانیم آنچه را آنها نوشته‌اند به سادگی بپذیریم! (البته سخنش شامل کتب صحاح و مسانید معتبر و درجه اول آنان نیز می‌شد!).

به او گفتم روش محققانه این نیست، که انسان مکتبی را قبلاً روی یک

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۶

سلسله وراثتها بپذیرد و بعد هر حدیثی با آن موافق باشد صحیح و هر حدیثی با آن تطبیق نکند از آثار خوش باوری پیشینیان بداند هر چند حدیث معتبری باشد چه خوب است به جای این طرز فکر راه دیگری انتخاب کنید، قبلاً خود را از هر گونه عقیده موروثی خالی سازید، سپس در برابر مدارک منطقی بنشینید، آنگاه انتخاب عقیده کنید!

خوب ملاحظه می‌فرمائید چرا و به چه علت احادیث مشهور و معروفی که از مقام والای علی (علیه السلام) خبر می‌دهد، و برتری او را بر دیگران اثبات می‌کند، این چنین مورد بی‌مهری بلکه مورد تهاجم رگبارهای ایرادات قرار گرفته، و گاهی نیز به دست فراموشی سپرده می‌شود و اصلاحی از آن به میان نمی‌آید، گوئی اصلاً این همه احادیث وجود خارجی ندارند!!

با توجه به آنچه در بالا گفتیم به گفتاری از مفسر معروف نویسنده «المنار» می‌پردازیم:

او در شأن نزول آیات فوق روایت معروف بالا را به کلی کنار گذاشته و روایت دیگری که با محتوای آیات اصلاً منطبق نیست، و باید آن را به عنوان یک حدیث مخالف قرآن کنار زد، معتبر دانسته است، و آن حدیثی است که از نعمان بن بشیر نقل شده که می‌گوید: کنار منبر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان جمعی از صحابه نشسته بودم، یکی از آنها گفت من بعد از اسلام عملی را بالاتر از این نمی‌دانم که حاجیان خانه خدا را سیراب کنم، دیگری گفت عمران مسجد الحرام از هر عملی بالاتر است، سومی گفت جهاد در راه

خدا از آنچه گفتید بهتر می باشد، عمر آنها را از گفتگو کردن نهی کرد، و گفت صدای خود را کنار منبر رسول خدا بلند نکنید - و آن روز، روز جمعه بود - ولی هنگامی که نماز جمعه را خواندم نزد رسول خدا می روم و از او درباره مسأله ای که اختلاف کردید سؤال می کنم (بعد

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۷

از نماز نزد رسول خدا رفت و سؤال کرد) در این موقع آیات فوق نازل شد. در حالی که این روایت از جهات مختلفی با آیات مورد بحث ناسازگار است، و میدانیم هر روایتی که مخالف قرآن بوده باید آن را دور افکند، زیرا: اولاً در آیات فوق مقایسه میان «جهاد» و «سقایة الحاج» و «عمران» مسجد الحرام نشده است بلکه در یکسوی مقایسه «سقایة حاج» و «عمران» مسجد الحرام قرار گرفته، و درسوی دیگر «ایمان به خدا و روز رستاخیز و جهاد» و این نشان می دهد که افرادی آن اعمال را که در دوران جاهلیت انجام داده بودند با ایمان و جهاد مقایسه می کردند، که قرآن صریحاً می گوید این دو برابر نیستند، نه مقایسه «جهاد» با «عمران مسجد الحرام» و «سقایة الحاج» (دقت کنید). ثانیاً: جمله «و الله لا یهدی القوم الظالمین» نشان می دهد که اعمال گروه اول تواءم با ظلم بوده است، و این در صورتی است که در حال شرک واقع شده باشد، چه اینکه قرآن می گوید: «ان الشرک لظلم عظیم». اگر مقایسه میان «ایمان» و «سقایة حاج تواءم با ایمان و جهاد» بوده باشد جمله «و الله لا یهدی القوم الظالمین» مفهومی نخواهد داشت. ثالثاً: آیه دوم مورد بحث که می گوید آن کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند مقام والاتری دارند، مفهومی این است از کسانی که ایمان و هجرت و جهاد نداشتند، برترند، و این با حدیث نعمان سازش ندارد، زیرا گفتگو کنندگان طبق آن حدیث همه از مؤمنان بودند و شاید در مهاجرت و جهاد شرکت داشتند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۸

رابعاً: در آیات گذشته سخن از اقدام مشرکان به عمران مساجد بود (ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله) و آیات مورد بحث که به دنبال آن قرار دارد،

همان موضوع را تعقیب می‌کند، و این نشان می‌دهد که عمران مسجد الحرام و سقایت حاج در حال شرک موضوع بحث این آیات است و این چیزی است که با روایت نعمان تطبیق نمی‌کند.

و تنها مطلبی که ممکن است در برابر این استدلالات گفته شود، این است که تعبیر به «اعظم درجه» نشان می‌دهد که هر دو طرف «مقایسه» عمل خوبی هستند، اگر چه یکی از دیگری برتر بوده است.

ولی جواب این سخن روشن است، زیرا افعّل تفضیل (صفت تفضیلی) غالباً در مواردی به کار می‌رود که یک طرف مقایسه واجد فضیلت است، و طرف دیگر صفر می‌باشد، مثلاً بسیار شده است که می‌گویند «دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است»، مفهوم این سخن آن «نیست که هرگز به مقصد نرسیدن و تصادف کردن و نابودی» چیز خوبی است، ولی «دیر رسیدن» از آن بهتر است، و یا اینکه در قرآن می‌خوانیم «و الصلح خیر» (سوره نساء ۱۲۸): «صلح از جنگ بهتر است» معنی این جمله آن نیست که جنگ چیز خوبی است، و یا اینکه می‌خوانیم «و لعبد مؤمن خیر من مشرک» (سوره بقره آیه ۲۲۱): «بنده با ایمان از بت پرست بهتر است» آیا بت پرست خیر و فضیلتی دارد؟ و در همین سوره توبه آیه ۱۰۸ می‌خوانیم: «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه»: «مسجدی که اساس آن از روز نخست بر پایه تقوی گذارده شده است (از مسجد ضرار همان مسجدی که منافقان برای ایجاد تفرقه ساخته بودند) برای عبادت شایسته‌تر است. با اینکه می‌دانیم عبادت در مسجد ضرار هیچ گونه شایستگی ندارد و نظیر این تعبیرات در قرآن و کلمات عرب و سایر زبانها فراوان است.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۲۹

از مجموع آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که روایت «نعمان بن بشیر» چون بر خلاف محتوای قرآن است باید کنار گذارده شود، و آنچه با ظاهر آیات می‌سازد همان حدیث مشهوری است که در آغاز بحث تحت عنوان نزول بیان کردیم، و این فضیلتی است برای پیشوای بزرگ اسلام علی (علیه السلام). خداوند همه ما را به پیروی از حق و پیروی از اینگونه پیشوایان ثابت قدم‌دارد، و چشم و گوش باز و فکر دور از تعصب و عنایت کند.

۲- از آیات فوق استفاده می‌شود که مقام «رضوان» که از

بزرگترین مواهب و مقاماتی است که خداوند به مؤمنان و مجاهدان می‌بخشد، چیزی است غیر از باغهای بهشت و نعمتهای جاویدانش و غیر از رحمت گسترده پروردگار (شرح این موضوع به خواست خدا در ذیل آیه ۷۲ همین سوره در تفسیر جمله «و رضوان من الله اکبر» خواهد آمد).

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۳۰

آیه ۲۳ - ۲۴

آیه و ترجمه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ أَخَوْنَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فإِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۚ
قل ان كان ءاباؤكم و ءابناؤكم و اخونكم و ءزوجكم و عشيرتكم و ءمول اقترفتموها و تجرة تخشون كسادها و مسكن ترضونها ءحب اليكم من الله و رسوله و جهاد فى سبيله فتربصوا حتى ياتى الله بامرہ و الله لا يهدى القوم الفاسقين ۲۴

ترجمه :

۲۳ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دهند آنها را ولی (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید و کسانی که آنها را ولی خود قرار دهند ستمگرند.

۲۴ - بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش بیم دارید و مساکن مورد علاقه شما، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت نا فرمانبردار را هدایت نمی‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۳۱

تفسیر :

همه چیز فدای هدف و برای خدا

آخرین وسوسه و بهانه‌ای که ممکن بود برای گروهی از مسلمانان در برابر دستور پیکار با بت پرستان پیدا شود - و طبق بعضی از تفاسیر پیدا شد آاین

بود که آنها فکر می کردند که از یک سو در میان مشرکان و بت پرستان، خویشاوندان و بستگان نزدیک آنها وجود دارند، گاهی پدر مسلمان شده و پسر در شرک باقی مانده، گاهی به عکس پسران راه توحید را پیش گرفته اند و پدران همچنان در تاریکی شرک باقی مانده اند، و همچنین در مورد برادران و همسران و عشیره و قبیله، اگر بنا شود با همه مشرکان پیکار کنند باید از خویشاوندان و قبیله خود چشم پيوشند!

از سوی دیگر سرمایه ها و تجارت آنان تا حد زیادی در دست مشرکان بود، با آمد و شد آنها به مکه آنرا رونق می بخشیدند.

و از سوی سوم خانه های مرفه و نسبتاً آبادی در مکه داشتند که در صورت درگیری با مشرکان ممکن بود به ویرانی بکشد، و یا با تعطیل مراسم حج از طرف مشرکان از ارزش و استفاده بیفتد.

آیات فوق ناظر به حال اینگونه اشخاص است، و با بیان قاطعی به آنها پاسخ صریح می دهد، نخست می گوید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید پدران و برادران خود را در صورتی که کفر را بر ایمان مقدم دارند یار و یاور و متحد و ولی خود قرار ندهید» (یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا آبائکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان)

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۳۲

پس به عنوان تاءکید اضافه می کند: «کسانی که از شما آنها را به یاری و دوستی برگزینند ستمکارانند». (و من یتولهم منکم فاولئک هم الظالمون).

چه ظلمی از این بالاتر که انسان با پیوند دوستی با بیگانگان و دشمنان حق، هم به خویشتن ستم کند و هم به جامعهای که تعلق به آن دارد، و هم به فرستاده خدا!!

در آیه بعد به خاطر اهمیت فوق العاده موضوع، همین مطلب با شرح و تاءکید و تهدید بیشتری بیان می شود، روی سخن را به پیامبر کرده، می فرماید:

«به آنها بگو اگر پدران، و فرزندان، و برادران، و همسران، و عشیره و قبیله شما، و اموال و سرمایه های که جمع آوری کرده اید، و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و مساکن مرفهی که در مورد رضایت و علاقه شماست، در نظرتان محبوبتر از خدا و پیامبر او و جهاد در راهش می باشد، در انتظار باشید که

مجازات و کیفر شدیدی از ناحیه خدا بر شما نازل گردد» (قل ان کان آبائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجارة تخشون کسادهای و مساکن ترزونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یاتی الله بامرہ).

و از آنجا که ترجیح این امور بر رضای خدا و جهاد یک نوع نافرمانبرداری و فسق آشکار است و دلباختگان زرق و برق زندگی مادی شایستگی هدایت الهی را ندارند در پایان آیه اضافه می کند: خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی کند (و الله لا یهدی القوم الفاسقین)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی چنین نقل شده: «لما اذن امیر المؤمنین ان لا یدخل المسجد الحرام مشرک بعد ذلک جزعت قریش جزعا شدیداً و قالوا

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۳۳

ذهبت تجارتنا، و ضاعت عیالنا، و خربت دورنا، فانزل الله فی ذلک قل (یا محمد) ان کان آبائکم....».

: هنگامی که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) (در مراسم حج) اعلام کرد که بعد از این هیچ مشرکی حق ورود به مسجد الحرام را ندارد فریاد (مؤمنان) قریش برخاست و گفتند تجارت ما از میان رفت، خانواده های ما ضایع شد، و خانه هایمان ویران گشت، آیات فوق نازل شد (و به آنها پاسخ گفت).

در آیات بالا خطوط اصلی ایمان راستین از ایمان آلوده به شرک و نفاق ترسیم شده است و حد فاصل میان مؤمنان واقعی و افراد ضعیف الایمان مشخص گردیده و با صراحت می گوید که اگر سرمایه های هشتگانه زندگی مادی که چهار قسمت آن مربوط به نزدیکترین خویشاوندان (پدران و فرزندان و برادران و همسران)، و یک قسمت مربوط به گروه اجتماعی و عشیره و قبیله است، و قسمت دیگری مربوط به سرمایه ها و اندوخته ها، و قسمتی مربوط به رونق تجارت و کسب و کار، و سرانجام قسمتی به خانه های مرفه ارتباط دارد، در نظر انسان پرارزتر و گرانبهاتر از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جهاد و اطاعت فرمان اوست تا آنجا که حاضر نیست آنها را فدای دین کند، معلوم می شود ایمان واقعی و کامل تحقق نیافته است.

آن روز حقیقت و روح ایمان با تمام ارزشهایش تجلی می کند که در مورد چنین فداکاری و گذشت تردید نداشته باشد.

بعلاوه آنها که آماده چنین گذشتی نیستند در واقع به خویش و جامعه خویش ستم می کنند، و حتی از آنچه می ترسند در آن خواهند افتاد، زیراملتی که در گذرگاه های تاریخ و لحظات سرنوشت آماده چنین فداکاریهایی نباشند دیر یا زود مواجه با شکست می شود و همان خویشاوندان و اموال و سرمایه هایی که به خاطر دلبستگی به آن از جهاد چشم پوشیده است به خطر می افتند و در

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۳۴

چنگال دشمن نیست و نابود خواهند شد.

در اینجا بدو نکته باید توجه کرد:

۱ - آنچه در آیات فوق می خوانیم مفهومی بریدن پیوندهای دوستی و محبت با خویشاوندان و نادیده گرفتن سرمایه های اقتصادی و سوق دادن به ترک عواطف انسانی نیست، بلکه منظور این است که بر سر دوراهیها نباید عشق زن و فرزند و مال و مقام و خانه و خانواده مانع از اجرای حکم خدا و گرایش به جهاد گردد و انسان را از هدف مقدسش بازدارد.

لذا اگر انسان بر سر دو راهی نباشد رعایت هر دو بر او لازم است.

در آیه ۱۵ سوره لقمان درباره پدران و مادران بتپرست می خوانیم: «وان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعمهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا»؛ «اگر آنها به تو اصرار دارند که چیزی را که شریک خدا نمی دانی برای او شریک قرار دهی هرگز از آنها اطاعت مکن ولی درزندگی دنیا با آنها به نیکی رفتار کن.

۲ - جمله «فتربصوا حتی یاتی الله بامر» یک تفسیر آن همان است که در بالا گفتیم یعنی تهدیدی است از ناحیه خداوند به کسانی که منافع مادی خویش را بر رضای خدا مقدم می شمردند و چون این تهدید به صورت سر بسته بیان شده اثر آن بیشتر و وحشت انگیزتر است، و درست به این می ماند که انسان به کسی که زیر دست او است می گوید اگر از انجام وظیفه ات خودداری کردی من هم کار خود را خواهم کرد.

احتمال دیگری در تفسیر این جمله نیز وجود دارد و آن اینکه: خداوند می گوید «اگر شما حاضر به چنین فداکاری نباشید خداوند فرمان

فتح و پیروزی

پیامبرش را از راهی که می‌داند خواهد داد، و به طریقی که خودش اراده کرده او را یاری می‌دهد همانند آنچه در آیه ۵۴ سوره مائده می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید کسی که از شما از دین خود مرتد شود زیانی به خدا نمی‌رساند، زیرا خداوند به زودی گروهی را بر می‌انگیزد که هم او آنها را دوست می‌دارد و هم آنها خدا را».

گذشته و امروز در گرو این دستور است:

۳ - ممکن است کسانی چنین فکر کنند، آنچه در آیات بالا آمده مخصوص مسلمانان نخستین است و متعلق به تاریخ گذشته، ولی این اشتباه بزرگی است، این آیات نه تنها دیروز بلکه امروز و فردای مسلمانان را در برمی‌گیرد. اگر آنها دارای ایمان محکم و آمادگی برای جهاد و فداکاری و در صورت لزوم هجرت نباشند، و منافع مادی خویش را بر رضای خدا مقدم بشمرند، و به - خاطر دلبستگیهای زیاد به زن و فرزند و مال و ثروت و تجمعات زندگی از فداکاری مضایقه کنند، آینده آنها تاریک است، نه تنها آینده، امروز هم در خطر خواهند بود، و همه میراثهای گذشته وافتخاراتشان از میان خواهد رفت، منابع حیاتیشان به دست دیگران خواهد افتاد، و زندگی برای آنان مفهومی نخواهد داشت، که «زندگی ایمان است و جهاد در سایه ایمان!»

آیات فوق به عنوان یک شعار باید به تمام فرزندان و جوانان مسلمانان تعلیم گردد، و روح فداکاری و سلحشوری و ایمان در آنها زنده شود، و بتوانند میراثهای خود را پاسداری کنند.

